



آندیسوا سِتاره ی فوتبال

 Eden Daniels

 Eden Daniels

 Marzieh Mohammadian Haghighi

 2

 فارسی fa

آندیسوا چَند پسر را در حِلِ فوتبالِ هِزی تهْتلا گرد. او آرزو داشت
که بتواند آنها را همراهی کند. او از مُربی پرسید که آیا می تواند
آنها تمرین کند.

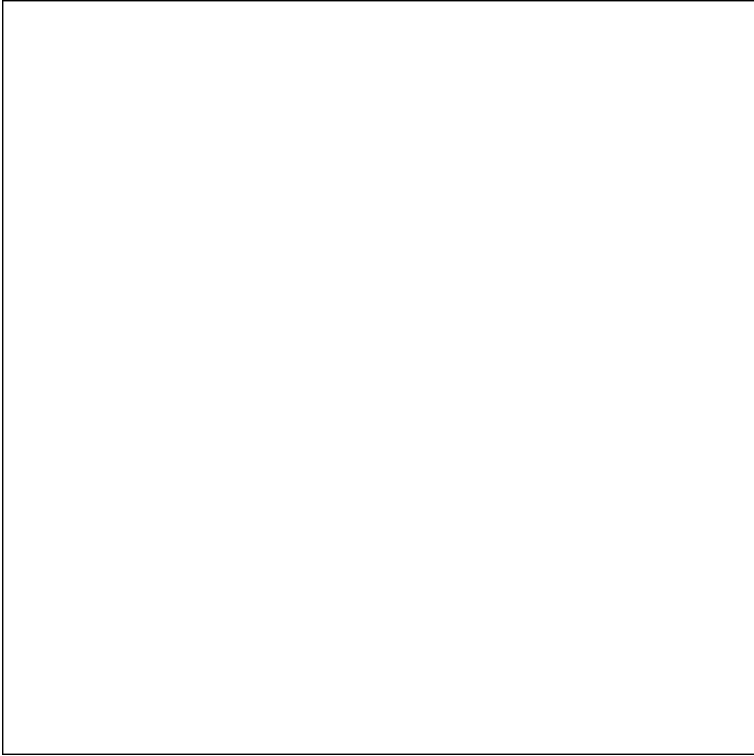
مربی دسدهنش را روی گمزش گذاشت. و گفت: “در این مدرسه،
فقط پسره اجازه ی فوتبال جزی دارند.”

پسره به او گفتند برو بسکتبال بازی کن. آنها گفتند بسکتبال برای
دخترهست و فوتبال برای پسره. آندیسوا آندوهگین شد.

روزِ بَعْدِ، آن مَدْرِسَه یِک مُسَدِّقَه یِ فوْتبَلِ بُزْرگِ دَاشْت. مُرَبِّی
نِگْرانِ بُوْد چوْن بَهِتَرینِ جِزِیْکَنْشِ مَرِیضِ بُوْد وَ نِمی تَوَاسْت جِزِی
کُنْد.

آنديسوا به سَمَتِ مُرَبِّي دَوِيد وِ الْتِهَسِ كَرْدِ كِه به او اِجْزِه يِ جِزِي
بِدَهَد. مُرَبِّي مُطْمِئِن نَبُود كِه چِه كَرِي اَنجَم بَدَهَد. سِيسِ تَصْمِيمِ
گِرِفْت كِه آنديسوا مي تَوَانَد تيم را هَمْرَاهِي كُنَد.

بزی سختی بود. هیچکس آن نیمه ی بزی گل نَرده بود.



دَر جَرِّينِ نِيْمِه يِ دُوْمِ هِزِي يِكِي اَز پِسْرَه تُوپ رَا بَه اَنديسوا پِس
داد. اَنديسوا اِجْ شُرْعَتِ خِيَلِي زِيْد بَه سَمَتِ دَرِوازِه حَرَكَتِ كَرْد. او
مُحَكَم بَه تُوپ ضَرْبِه زَد وَ كُؤَل زَد.


تَهْتِچینِ بَسیرِ هیجن زده شُدنْد. اَز آن زَهْنِ بَه بَعْد، دُخترَه هَم
اِجْزَه یِ فوْتبَلِ جِزِی دَر مَدْرِسَه را پِیدا کَرْدَنْد.




Global Storybooks

globalstorybooks.net

آندیسوا ستاره ی فوتبال

 Eden Daniels

 Eden Daniels

 Marzieh Mohammadian Haghighi

